

پویایی قواعد حقوق بین الملل و امکان سنجی استفاده

از هواپیماهای بدون سرنشین

فرهاد طلائی* و احسان زرنگار**

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۸/۲۸ | تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۳/۱۳

ساخت هواپیماهای بدون سرنشین و توسعه آن در دهه‌های اخیر چالش‌های حقوقی را در چارچوب استفاده از آنها در ورای مرزهای ملی، به‌ویژه برای اهداف نظامی به‌وجود آورده است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از هواپیماهای بدون سرنشین به‌عنوان ابزاری برای کشتار هدفمند مظنونان در جریان عملیات موسوم به «جنگ با تروریسم» استفاده شد و این کاربرد تا زمان حاضر ادامه یافته است. این در حالی است که امروزه این هواپیماها حتی در خارج از میدان‌های نبرد و مخاصمات مسلحانه نیز به کار گرفته می‌شوند. این تغییر کاربری هواپیماهای بدون سرنشین تهدید بزرگی نسبت به اصل منع توسل به زور و همچنین احترام به قواعد حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌گردد. بر مبنای قواعد پذیرفته شده حقوق بین‌الملل، استفاده‌های مختلف از هواپیماهای بدون سرنشین چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، تابع محدودیت‌ها و قواعدی است. بر این اساس، تحلیل قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین به‌ویژه برای اهداف نظامی، با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی هدف اصلی این مقاله است. ماحصل بررسی‌های صورت گرفته مؤید آن است که عدم اتفاق نظر دولت‌ها و فقدان یک کنوانسیون بین‌المللی جامع و الزام‌آور از مهم‌ترین موانع موجود در راه قاعده‌مند ساختن به کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین می‌باشد که تلاش در جهت رفع آنها به خصوص در قالب اقدامات سازمان ملل متحد امری ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: هواپیمای بدون سرنشین؛ حاکمیت سرزمینی؛ منع توسل به زور؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ حقوق بشر

* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛

Email: dr_farhad_talaie@yahoo.com

** کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز؛

Email: ehsanzar88@yahoo.com

مقدمه

پس از وقوع دو جنگ ویرانگر جهانی در نیمه اول قرن بیستم، نقش حملات هوابرد در برتری‌های نظامی و غلبه بر دشمن رنگ بیشتری به خود گرفت و اقدامات دولت‌ها در واکنش به این مسئله و توسعه جنگ‌افزارهای هوایی آنها بیش‌ازپیش اهمیت یافت. آخرین دستاورد در زمینه استفاده نظامی از هواپیما، مسئله حضور فیزیکی انسان در هواپیما را کنار گذاشته و این امکان را برای بشر فراهم کرد که از صدها و هزاران مایل دورتر، پرواز و عملکرد هواپیمای بدون سرنشین را کنترل کند. هواپیماهای بدون سرنشین اولین بار در مقیاس چشمگیری به منظور انجام عملیات‌های نظارت و شناسایی^۱ در مخاصمات مسلحانه، توسط ایالات متحده آمریکا در جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰ میلادی به کار گرفته شد. همچنین در دهه ۱۹۹۰ در بوسنی و هرزگوین و کوزوو و در قرن حاضر در جنگ‌های افغانستان (۲۰۰۱) و عراق (۲۰۰۳) و در سال ۲۰۱۲ نیز هواپیماهای بدون سرنشین توسط رژیم سوریه به منظور شناسایی موقعیت نیروهای شورشی مورد استفاده قرار گرفتند (Maslen, 2012: 598). اخیراً نیز آمریکا در کشور عراق در جریان مبارزات علیه گروهک تروریستی داعش^۲ از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کرده است. با این حال اگرچه هواپیماهای بدون سرنشین در گذشته برای شناسایی و اطلاعات در موارد زیادی به کار گرفته می‌شدند اما امروزه این هواپیماها بیشتر به عنوان ابزاری برای شلیک مواد منفجره و پرتاب موشک‌ها در عملیات موسوم به «کشتار هدفمند»^۳ تروریست‌ها شناخته می‌شوند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا در قالب استراتژی «جنگ با تروریسم»^۴ به افغانستان حمله و برای اولین بار از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح خود در جریان این جنگ که از ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ آغاز شد استفاده کرد و پس از آن در جنگ عراق و در تلاش برای براندازی رژیم صدام به این روش ادامه داد. حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا تنها به افغانستان و عراق محدود نبوده و

1. Surveillance and Reconnaissance

۲. این واژه مخفف کلمات «دولت اسلامی عراق و شام» می‌باشد.

3. Targeted Killing

4. War on Terror

این اقدامات به کشورهای پاکستان، یمن و سومالی نیز تسری یافته است (O'Connell, 2010a: 585). در حالی که در بسیاری از موارد هیچ گونه مخاصمه مسلحانه‌ای بین این کشورها و ایالات متحده آمریکا وجود نداشته است. بنابراین، مسئله حائز اهمیت این است که امروزه استفاده‌های جنگی از هواپیماهای بدون سرنشین (به خصوص توسط ایالات متحده آمریکا)، نه تنها علیه کشورهای که یک طرف درگیر جنگ بوده‌اند و در قالب کشتار هدفمند تروریست‌ها صورت پذیرفته، بلکه حتی در مواردی که بین کشور استفاده کننده و کشور هدف هیچگونه مخاصمه مسلحانه‌ای متصور نبوده است نیز این هواپیماها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر این اساس امکان سنجی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و مشروعیت آن در هر دو وضعیت ذکر شده موضوع پژوهش پیش روست. همچنین، از آنجا که هر دولتی دارای حاکمیت مطلق بر سرزمین خود و قلمرو هوایی آن می‌باشد بدیهی است که هرگونه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر فراز قلمرو دولت دیگر تابع اصل حاکمیت سرزمینی خواهد بود. به این منظور، در این نوشتار سعی بر آن است که به طور جامع به بررسی شرایط استفاده از انواع هواپیماهای بدون سرنشین (نظامی و غیرنظامی) و مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از این هواپیماها مطابق با قواعد حقوق بین الملل پرداخته شود. از این رو، ابتدا شرایط و محدودیت‌های اعمال شده بر استفاده از انواع هواپیماهای بدون سرنشین با توجه به اصل حاکمیت سرزمینی دولت‌ها مورد مذاقه و بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به این مسئله خواهیم پرداخت که مطابق با قواعد حقوق بین الملل، آیا امکان استفاده مشروع از هواپیماهای بدون سرنشین تهاجمی و جنگنده^۱ وجود دارد و در صورت وجود این امکان، کدام قواعد حقوقی در زمان استفاده از این هواپیماها اعمال پذیر و لازم‌الاتباع خواهند بود. مبنای تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر در این قسمت، حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بین الملل بشردوستانه و قواعد حقوق بین الملل بشر خواهد بود که به تفصیل به بررسی هریک از آنها پرداخته خواهد شد.

۱. نظام حقوقی حاکم بر قلمرو هوایی کشورها و کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین

۱-۱. تعریف هواپیمای بدون سرنشین

هواپیمای بدون سرنشین به هواپیمایی اطلاق می‌شود که یا با خلبان متخصص از روی زمین هدایت می‌شود یا طبق مأموریت و برنامه محوله به آنها به‌طور خودکار پرواز می‌کند. کلمه پهپاد نیز که در زبان فارسی به کار گرفته می‌شود، تشکیل یافته از حروف اول کلمات «پرنده هدایت پذیر از دور» می‌باشد. فیلیپ الستون^۱ گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز در گزارش خود (درخصوص کشتارهای هدفمند)، به تعریفی از هواپیماهای بدون سرنشین پرداخته که مطابق آن، «هواپیماهای بدون سرنشین به هواپیماهای نظامی مسلحی اطلاق می‌شوند که علاوه بر قابلیت انجام عملیات شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات از اهداف خود، از قدرت تهاجمی و قابلیت انجام حملات نیز برخوردار بوده و برای مبارزه با مذنونان تروریستی و به‌عنوان ابزاری برای کشتار هدفمند مورد استفاده قرار می‌گیرند» (Alston, 2010: 79-82). اما مطابق تعریفی که سازمان هوا فضای ملی آمریکا ارائه داده است، تمایزی میان دو اصطلاح درون^۲ و وسیله نقلیه بدون سرنشین^۳ مشاهده می‌شود. طبق این تعریف هر دو واژه به وسایل نقلیه پروازی اطلاق می‌گردند که برای پرواز بدون نیاز به حضور خلبان در هواپیما طراحی شده‌اند. با این وجود در بیان تفاوت این دو اصطلاح درون معرف و وسیله نقلیه بدون سرنشینی است که برای عملیات نظامی و جاسوسی استفاده می‌شود، درحالی که وسیله نقلیه بدون سرنشین (UAV) به‌عنوان وسیله هوایی بدون سرنشین برای اهداف غیرنظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Southard, 2013: 5). هواپیماهای بدون سرنشین را می‌توان براساس شاخصه‌ها و ویژگی‌های عملکردی متعددی طبقه‌بندی کرد. ابعادی مانند وزن، مداومت پروازی، بُرد یا دامنه پرواز، میزان بارگیری، حداکثر ارتفاع و نوع موتور، شاخصه‌های کلیدی هواپیماهای بدون سرنشین محسوب می‌شوند. این شاخصه‌ها از جنبه فنی و عملیاتی و در

1. Philip Alston

2. Drone

3. Unmanned Aerial Vehicle (UAV)

تشخیص نوع هواپیمای بدون سرنشین از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند^۱ (Arjomandi, 2013: 42). نکته حائز توجه در خصوص استفاده‌های متعددی است که از هواپیماهای بدون سرنشین می‌شود. این هواپیماها را می‌توان علاوه بر مخاصمات بین‌المللی و عملیات‌های ویژه نظامی که شامل جاسوسی، شناسایی و انجام حملات می‌شود در عملیات غیرنظامی نیز به کار گرفت. از جمله این موارد می‌توان به کاربرد این هواپیماها در کنترل مرزها، ارزیابی شرایط محیط زیست و مواجهه با مشکلات زیست‌محیطی، خاموش کردن آتش‌سوزی‌ها، کنترل پلیس در ناآرامی‌ها و صحنه‌های جرم، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، بازرسی شرایط ساختمان‌ها و صنعت فیلم‌سازی اشاره کرد. این هواپیماها در ابتدا توسط نیروهای پشتیبانی زمینی به پرواز درمی‌آمدند، اما به تدریج کنترل هوابرد این هواپیماها به سه اپراتور (کاربر) واگذار شد.^۲ نکته دیگر اینکه از آنجا که هواپیماهای بدون سرنشین محدودیت‌های فیزیولوژیکی خلبانان انسان (مانند خستگی) را ندارند، می‌توان آنها را برای حداکثر تعداد دفعات پرواز طراحی کرد. البته حداکثر طول مدت پرواز (مداومت پروازی) هواپیماهای بدون سرنشین متفاوت است (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

امروزه هواپیماهای بدون سرنشین بیشتر در عملیات‌های نظامی به کار برده می‌شوند.

۱. به‌عنوان مثال، درخصوص هواپیمای بدون سرنشین متعلق به رژیم اشغالگر قدس که در شهریور ۱۳۹۳ وارد قلمرو هوایی ایران شد و توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران منهدم شد، کارشناسان نظامی ایران بر اساس شاخصه «بُرد یا دامنه پرواز» تشخیص دادند که این هواپیما از تل آویو به پرواز درنیامده و در واقع مبدأ پرواز آن یکی از کشورهای همسایه است. در این باره، ابتدا گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن داشت که خاستگاه این هواپیما کشور عربستان سعودی بوده است اما در نهایت مشخص شد این هواپیما از پایگاه هوایی جمهوری خودمختار نخجوان در آذربایجان به پرواز درآمده است. قابل دسترسی در:

<http://www.asriran.com/fa/news/356190>, pp: 1-3, at: 1.

۲. این کاربرها در اتاقی مخصوص که صرفاً به این جهت طراحی شده‌اند از طریق رایانه هواپیماها را هدایت می‌کنند. به این ترتیب که یک کاربر هدایت پرواز هواپیما را برعهده دارد و کاربر دیگر دوربین‌ها و سنسورهای هواپیما را کنترل و بررسی می‌کند و تصاویر ارسالی این هواپیماها را در هر لحظه با ماهواره‌ها دریافت می‌کند. کاربر سوم نیز وظیفه برقراری ارتباط با نیروهای پشتیبانی و فرماندهان مستقر در مناطق جنگی را برعهده دارد. شلیک موشک و بمب روی مناطق جنگی نیز تنها با فشردن یک دکمه توسط این کاربر صورت می‌گیرد (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۶۵).

به طور کلی، پهپادهای نظامی را می توان به دو گونه اصلی تقسیم بندی کرد. گونه اول از این هواپیماها که به نسل اول هواپیماهای بدون سرنشین نظامی ملقب گردیده اند، صرفاً در عملیات های شناسایی و بازرسی و همچنین عملیات های اطلاعاتی مورد استفاده قرار می گیرند که قابلیت حمل سلاح و یا کنترل آن را نیز ندارند. نسل دوم هواپیماهای بدون سرنشین نظامی خصایص مشترک زیادی با نسل اول دارد اما کشورهای کمتری تکنولوژی تولید آن را در اختیار دارند. این نسل از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح می باشند و برای شلیک بمب و موشک مورد استفاده قرار می گیرند. دو نوع از برجسته ترین هواپیماهای این نسل با عنوان درنده^۱ و دروگر^۲ شناخته می شوند. هواپیماهای بدون سرنشین درنده و دروگر از قابلیت پرواز در ارتفاع بالا، رادارگریزی و اطمینان بالا در انجام مأموریت برخوردارند (تقی زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۶۷). تا پایان قرن بیستم از هواپیماهای بدون سرنشین بیشتر به منظور شناسایی در عملیات های نظامی استفاده می شد. اما با شروع قرن بیست و یکم و وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آغاز این قرن کاربردهای جدید هواپیماهای بدون سرنشین به منصه ظهور رسید. در واقع این حادثه در آمریکا به مثابه مجوزی برای استفاده از نسل دوم هواپیماهای بدون سرنشین تلقی شد و با گذشت کمتر از یک ماه از این حادثه، در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ اولین موشک با این هواپیماها در افغانستان شلیک شد (Cole, Dobbing and Hailwood, 2012: 3). تولید هواپیماهای بدون سرنشین طی سال های اخیر به شدت رو به افزایش بوده است. به جز چند بازیگر پیشگام در استفاده از این هواپیماها مانند آمریکا و رژیم اشغالگر قدس، با توجه به پیشرفت های روزافزون تکنولوژیک در چند سال گذشته کشورهای مختلف جهان اعم از کوچک و بزرگ لزوم استفاده از این هواپیماها را به دلایل مختلف احساس کرده و در صدد دستیابی به تولید یا خرید آنها برآمده اند. در حال حاضر بیش از ۵۰ کشور از جمله چین، برزیل، روسیه، ترکیه، هند، پاکستان و ایران از تکنولوژی هواپیماهای بدون سرنشین برخوردار شده اند (O'Gorman and Abbott, 2013: 4).

1. Predator (MQ-1)

2. Reaper (MQ-9)

محدود نشده و بازیگران غیردولتی نیز توانسته‌اند به ساخت، خرید و به‌کارگیری این هواپیماها مبادرت کنند^۱ (O'Connell, 2010b: 5).

۲-۱. اصل حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر قلمرو هوایی خود

مفهوم حاکمیت^۲ در مرکز موجودیت همه دولت‌ها قرار گرفته است و بازتابی از اختیارات قانونی انحصاری، برتر و انکارناپذیر دولت‌ها برای اعمال قدرت در محدوده حاکمیتی آنها می‌باشد (Kaiser, 2010: 154). از زمان معاهده صلح وستفالی^۳ در سال ۱۶۴۸ اصل حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌ها به‌عنوان اصول بنیادین حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده‌اند. همچنین کنوانسیون مونته‌ویدئو ۱۹۳۳ در خصوص حقوق و وظایف دولت‌ها که اصول حقوق بین‌الملل عرفی را مدون کرده است، در ماده (۱) خود دولت را به‌عنوان یک موجودیت مستقل تعریف می‌کند که دارای جمعیت دائمی، سرزمین معین، حکومت (کارگزار سیاسی دولت) و استقلال عمل یا همان حاکمیت بوده و همچنین از ظرفیت ایجاد روابط با دیگر دولت‌ها برخوردار است. مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل هوایی نیز از اهمیت خاصی برخوردار و از دیرباز مورد توجه بوده است. سرزمین هر دولت شامل قلمرو زمینی، دریایی و هوایی آن می‌شود. قلمرو هوایی هر دولت علاوه‌بر محدوده هوایی بالای قلمرو زمینی، هوای فوق آب‌های داخلی و دریای سرزمینی را نیز دربرمی‌گیرد (1: Chrystel, 2012). آنچه امروزه در حقوق بین‌الملل ساری و جاری است اینکه هر دولتی از حاکمیت کامل و انحصاری بر قلمرو هوایی خود برخوردار است و هیچ‌گونه حق عبور بی‌ضرری برای هواپیماهای خارجی (هواپیما در معنای اعم خود شامل هرگونه وسیله پرنده است) در این مناطق وجود ندارد. در نتیجه غیر از شرایط اضطراری هرگونه ورود به حوزه هوایی ملی توسط هواپیماهای خارجی منوط به رضایت دولت حاکم است که به‌صورت یک‌جانبه و یا همان‌طوری که جهت پروازهای تجاری بیشتر

۱. حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین دو نمونه از این مواردند.

2. Sovereignty

3. Peace of Westphalia

معمول است به صورت معاهدات دوجانبه و با قید عمل متقابل اعطا می‌شود (بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵: ۲۳۴). برای ورود و عبور هواپیماهای نظامی یا سایر هواپیماهای دولتی معمولاً اخذ اجازه ویژه ضروری است. به علاوه از هواپیماهای خارجی خواسته می‌شود که فقط از مسیرهای (کریدورهای) هوایی مشخص حرکت کنند و طبق قوانین داخلی برخی دولت‌ها، هواپیماهای خارجی دولتی باید از مقامات مسئول دفاع هوایی نیز کسب اجازه کنند (همان: ۲۳۵).

امروزه تفکیک موجود در حریم هوایی بین کاربران نظامی و غیرنظامی بازتابی از اولویت و تقدم امنیت ملی در ورای مفهوم حاکمیت است. در واقع حفاظت از امنیت ملی یکی از دلایل عمده برای ایجاد مفهوم حاکمیت کامل و انحصاری بر قلمرو هوایی است. به همین دلیل نقض حریم هوایی هر کشور از سوی هواپیماهای خارجی به منزله نقض جدی حقوق بین‌الملل بوده که منجر به بروز مناقشات مهمی در بین کشورها می‌شود.^۱ اصل حاکمیت ملی بر حریم هوایی فوق قلمرو زمینی و دریایی به صورت قاعده‌ای تثبیت شده در حقوق بین‌الملل عمومی درآمده است و حاکمیت دولت‌ها بر قلمرو هوایی خود بدون تردید یکی از اصول اساسی و مسلم حقوق بین‌الملل معاصر است.

۳-۱. امکان‌سنجی استفاده از انواع هواپیماهای بدون سرنشین (نظامی و غیرنظامی) بر فراز قلمرو کشورهای دیگر با توجه به اصل حاکمیت سرزمینی این قاعده که دولت‌ها دارای حاکمیت انحصاری بر محدوده هوایی خود هستند بلافاصله پس از اختراع هواپیما شکل گرفت. قاعده مزبور در کنوانسیون ۱۹۱۹ صلح پاریس برای تنظیم هوانوردی و نیز موافقتنامه‌های بین‌المللی متعددی از جمله کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو برای هواپیمایی کشوری یا غیرنظامی در سطح بین‌المللی منعکس شده است (همان).

۱. در این زمینه می‌توان به هدف قرار گرفتن هواپیمای یو-۲ جاسوسی آمریکا بر فراز خاک شوروی در سال ۱۹۶۰، هواپیمای مسافربری رژیم صهیونیستی بر فراز بلغارستان در سال ۱۹۵۰ و حمله به هواپیمای مسافربری کره جنوبی توسط شوروی در سال ۱۹۸۳ (که منجر به کشته شدن ۲۶۹ نفر شد) اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: بلدسو و بوسچک، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵-۲۳۴.

استفاده از انواع هواپیمای بدون سرنشین با کارکردهای غیرنظامی در قلمرو هوایی کشور دیگر، منوط به رضایت دولت سرزمینی و دادن اطلاع قبلی به آن است. این مسئله درخصوص به کارگیری هر نوع هواپیمای بدون سرنشین غیرنظامی اعم از تجاری، تحقیقاتی و حتی امدادسانی (با هدف ارائه کمک به دولت سرزمینی در زمینه‌های مختلف مانند اطفای آتش سوزی‌ها، کنترل ساختمان‌های تخریب شده و تأمین آذوقه در شرایط بحرانی مثل وقوع زلزله و ...) حکمفرماست. به عبارت دیگر، با توجه به اصل حاکمیت کامل و انحصاری دولت سرزمینی بر قلمرو هوایی خود، ورود هواپیمای بدون سرنشین از نوع غیرنظامی حتی از نوع امدادسان آن نیز تنها با اخذ اجازه ویژه از دولت سرزمینی امکان پذیر است. اما مسئله دیگر، ورود هواپیمای بدون سرنشین نظامی به محدوده هوایی دولت خارجی است. همان طور که پیش از این گفته شد برای ورود هواپیمای نظامی یا سایر هواپیمای دولتی به قلمرو هوایی یک کشور معمولاً اخذ مجوز ویژه ضروری است. هواپیمای بدون سرنشین (چه از نوع شناسایی و چه جنگنده) نیز در زمره هواپیمای نظامی به حساب می آید. ماده (۸) کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو مقرر می دارد: «هیچ هواپیمای بدون خلبانی نمی تواند بدون کسب مجوز از یک دولت متعهد کنوانسیون بر فراز قلمرو آن به پرواز درآید و می بایست که این پرواز با رعایت شرایط مندرج در آن مجوز صورت گیرد. هر دولت عضو معاهده متعهد است که تضمین کند پرواز چنین هواپیمایی در مناطقی که به روی هواپیمای غیرنظامی مسافری باز می باشد تحت کنترل کامل خواهد بود تا هر گونه خطر احتمالی نسبت به هواپیمای غیرنظامی را از بین ببرد». همچنین مطابق ضمیمه ۲ این کنوانسیون بعد از اصلاحات آن، «هواپیمای بدون سرنشین باید به گونه ای عمل کنند که ایجاد مخاطرات برای افراد، اموال یا دیگر هواپیماها را به حداقل برسانند».

بدیهی است اعطای مجوز به هواپیمای بدون سرنشین برای ورود به قلمرو هوایی یک کشور به معنای آزادی عمل کامل این هواپیماها جهت انجام عملیات نظامی نمی باشد، به این دلیل که هر نوع عملیات نظامی توسط یک دولت در قلمرو دولت دیگر در حقوق بین الملل فاقد مشروعیت بوده و بی تردید مطابق بند «۴» ماده (۲) منشور ملل متحد (منع تهدید به زور و یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگر کشورها)، نقض

یک حکم ممنوعه خواهد بود مگر آنکه این قبیل اقدامات با رضایت دولت سرزمینی مربوطه انجام پذیرفته باشد. در واقع مبنای حقوقی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی (اعم از شناسایی و جنگنده) بر فراز قلمرو هر کشور، جلب رضایت دولت سرزمینی است که در این صورت باید اقدامات هواپیماهای بدون سرنشین در چارچوب ماده (۸) کنوانسیون شیکاگو صورت گیرد. اینکه در صورت نقض حریم هوایی و حاکمیت سرزمینی توسط هواپیماهای خارجی، دولت صاحب قلمرو هوایی بر اساس حقوق بین الملل چه اقداماتی می تواند انجام دهد کاملاً روشن نیست. به هر حال اتخاذ اقدام نظامی علیه هواپیمای نظامی متخلف خارجی به نظر می رسد که بر اساس حقوق بین الملل عرفی مجاز است زیرا برای امنیت ملی ایجاد مخاطره می کند (همان). در ادامه، به طور اختصاصی به قواعد حقوقی حاکم بر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین نظامی از نوع تهاجمی و جنگنده پرداخته خواهد شد.

۲. قواعد حقوقی حاکم بر استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تهاجمی در چارچوب حقوق بین الملل

در طول بیش از ده سال گذشته استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای اهداف نظامی و مبارزه با تروریسم رشدی انفجارگونه داشته است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ گزارش شد که دولت باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا مجوز انجام دو برابر میزان حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا که در سال ۲۰۰۹ در شمال غرب پاکستان صورت گرفته بود را صادر کرده است. این میزان تنها برای یک سال بود که در آن حملات هواپیماهای بدون سرنشین بیشتر از حملات صورت گرفته توسط این هواپیماها در کل دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش بوده است (Maslen, 2012: 598).

نکات اساسی در خصوص قانونی بودن این اقدامات نخست آن است که هواپیماهای بدون سرنشین جنگنده به عنوان سلاح های مختص میدان جنگ شناخته می شوند. آنها موشک ها و بمب هایی را به سمت اهداف پرتاب می کنند که موجب وارد آوردن صدمات بسیار جدی می شوند. بر همین اساس هر گونه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در خارج

از مناطق جنگی غیرقانونی است. خارج از این مناطق نیروی پلیس مناسب‌ترین نهاد اجرایی است. به عبارت دیگر هواپیماهای بدون سرنشین نه برای عملیات «اجرای قانون»^۱ (مانند عملیات پلیس)، بلکه سلاح‌هایی برای انجام عملیات نظامی در میدان‌های نبرد به حساب می‌آیند. نکته دوم اینکه در خصوص کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین به‌عنوان سلاح‌های مختص میدان جنگ باید توجه خود را به نظام حقوقی حاکم بر استفاده از زور (نیروی نظامی) معطوف کرد چرا که این مسئله به حقوق زمان صلح حاکم بر توسل به نیروی مرگبار توسط مقامات اجرای قانون (پلیس) ارتباطی پیدا نمی‌کند (O'Connell, 2010a: 586).

نظام حقوقی حاکم بر استفاده از نیروهای نظامی به‌طور عام و استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تهاجمی به‌طور خاص از سه بخش اصلی تشکیل یافته است: حقوق بر جنگ^۲ یا حقوق مخاصمات مسلحانه حاکم بر توسل اولیه به نیروی نظامی، حقوق در جنگ^۳ یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر رفتار نیروهای مسلح در زمان جنگ و قواعد حقوق بشر که در تمام زمان‌ها صرف‌نظر از اینکه وضعیت موجود یک مخاصمه مسلحانه است یا خیر، اعمال می‌شود. در این قسمت به بررسی تفصیلی هر یک از این مجموعه قواعد پرداخته خواهد شد.

۱-۲. قواعد حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه

حقوق مخاصمات مسلحانه، بر حقوق ناظر بر نحوه توسل به زور توسط کشورها دلالت می‌کند. به عبارت دیگر حقوق بر جنگ، مجموعه قواعدی است که حاکم بر قانونی بودن توسل اولیه به نیروی نظامی است. در بطن حقوق مخاصمات مسلحانه منشور سازمان ملل متحد وجود دارد. منشور به‌طور کلی توسل به زور (نیروی نظامی) را منع می‌کند. بند «۴» ماده (۲) منشور مقرر می‌دارد: «تمام اعضای ملل متحد در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری و یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند کرد». این هنجار

1. Law Enforcement

2. Jus ad Bellum

3. Jus in Bello

معاهده‌ای تجلی بارز حقوق بین‌الملل عرفی و دارای ماهیت یک قاعده آمره^۱ است. برای آنکه توسل به زور جنبه قانونی پیدا کند باید با یکی از استثنائات مندرج در منشور (حق ذاتی دفاع از خود طبق ماده (۵۱) و یا اقدامات شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور) مطابقت داشته باشد یا اینکه از طرف دولت هدف جهت کمک رساندن و پیوستن به آن در یک مخاصمه مسلحانه، دعوت به همکاری شده باشد.

۱-۱-۲. توسل به زور در مقام دفاع مشروع

ماده (۵۱) منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه به‌طور فردی و یا دسته‌جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. این اقدامات به‌هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت طبق این منشور دارد و به موجب آن جهت حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در مواقع ضروری اقدام لازم را به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت».

نکته مهم در خصوص دفاع مشروع، لزوم وجود وضعیت حمله یا مخاصمه مسلحانه^۲ است. وجود وضعیت مخاصمه مسلحانه نه تنها در خصوص قانونی بودن توسل به زور بلکه در خصوص تنظیم رفتار نیروهای مسلح در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^۳ در قضیه تادیچ،^۴ مخاصمات مسلحانه را این‌گونه تعریف کرده است: «هرگاه دولت‌ها در روابط با یکدیگر به زور متوسل شوند یا خشونت‌های مسلحانه بلندمدت میان نیروهای دولتی و گروه‌های سازمان‌یافته و یا میان چند گروه سازمان‌یافته در داخل قلمرو یک سرزمین وجود داشته باشد». همچنین کمیته استفاده از زور مؤسسه حقوق بین‌الملل^۵ در سال ۲۰۰۸ با انتشار گزارشی ویژگی‌های اصلی مخاصمه مسلحانه را این‌گونه توصیف کرده است: ۱. وجود

1. Jus Cogens

2. Armed Conflict

3. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)

4. Tadic

5. International Law Association's Committee on the Use of Force

نیروهای مسلح سازمان یافته؛^۲ وجود میزانی از شدت در درگیری میان گروه‌ها (O'Connell, 2010c: 13). دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق شدت مخاصمه را تنها معیار تمییز مخاصمه مسلحانه از آشوب‌های داخلی، شورش‌های کوتاه‌مدت سازمان یافته و فعالیت‌های تروریستی می‌داند^۱ (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۷۶؛ ساعد، ۱۳۸۷: ۴۵۹). از این رو با توجه به قضیه تادیچ و تعریف مؤسسه حقوق بین‌الملل از درگیری مسلحانه، هنگامی می‌توان خشونت موجود را طبق مقررات حقوق بین‌الملل یک مخاصمه مسلحانه دانست که حدی از شدت را دارا باشد و مبارزان نیز به نحوی سازمان یافته عمل کنند. علاوه بر این موارد، دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ نیز در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه تعریفی از حمله مسلحانه ارائه کرده است. براساس نظر دیوان، مطابق با حقوق بین‌الملل عرفی ممنوعیت حملات مسلحانه ممکن است با اعزام گروه‌های مسلح یک دولت به سرزمین دولت دیگر نقض شود، اگر چنین عملی به دلیل مقیاس و اثرات آن بتواند به‌عنوان یک حمله مسلحانه و نه صرفاً یک درگیری مرزی قلمداد شود (ICJ, 1986: 195). بنا بر آنچه گفته شد استفاده از نیروهای نظامی و از جمله هواپیماهای بدون سرنشین در قالب دفاع مشروع تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک دولت امکان پذیر است.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مفهوم دفاع مشروع دستخوش تغییراتی شد؛ چرا که تا پیش از این حمله دولتی به کشور دیگر امکان دفاع مشروع را فراهم می‌کرد اما پس از این حادثه حمله بازیگران غیردولتی نیز حق دفاع مشروع را برای کشوری که عوامل غیردولتی آن را مورد حمله تروریستی قرار داده بود، ایجاد می‌کند (O'Connell, 2010c: 7). با این وجود این مسئله که دفاع مشروع نه تنها در برابر دولت دیگر بلکه علیه بازیگران غیردولتی مسلح واقع در خاک یک دولت نیز قابل استناد است محل مناقشه است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در سال ۲۰۰۴ در قضیه دیوار حائل به این موضوع اشاره

۱. در این وضعیت‌ها تنها حقوق بین‌الملل بشر قابل اعمال خواهد بود و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر هیچیک از آنها اعمال نمی‌گردد.

می‌کند که حق ذاتی دفاع از خود تنها می‌تواند توسط یک دولت علیه دولت دیگر (و نه بازیگران مسلح غیردولتی) مورد استناد قرار گیرد (ICJ, 2004: 139).

آمریکا در جنگ افغانستان برای نخستین بار در ۱۷ اکتبر ۲۰۰۱ برای پرتاب موشک از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده کرد که نقطه آغازی برای استفاده از این وسیله در کشورهای مختلف بود. آمریکا در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین حتی در مواردی که محاصره مسلحانه با کشور دیگر متصور نمی‌باشد نیز اقدامات خود را بر مبنای دفاع مشروع توجیه می‌کند (O'Connell, 2010c: 3). ماده (۵۱) منشور ملل متحد در این زمینه بسیار بحث‌برانگیز است. در واقع در خصوص حملات هواپیماهای بدون سرنشین علیه شورشیان یا تروریست‌ها کانون اختلاف نظر، تفسیر عبارت «وقوع حمله مسلحانه» است: Vlaun, 2011: (9). به عقیده ماری الن اکنل^۱ بر اساس ماده (۵۱) منشور، مشروعیت استفاده از زور در مقام دفاع مشروع از شواهد و قرائن قطعی دال بر وقوع یک حمله مسلحانه ناشی می‌شود. بنابراین صرف وجود شواهدی مبنی بر توطئه و طرح‌ریزی احتمالی یک حمله کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر طرف مقابل باید عملاً حمله آغازین را انجام داده باشد یا حداقل قصد فوری خود برای حمله مسلحانه را نشان داده باشد. بعد از این توضیحات وی نتیجه می‌گیرد که واکنش نظامی صورت گرفته در پی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مجاز تلقی می‌شود اما تداوم این جنگ تا زمان حاضر در افغانستان بر این اساس مورد حمایت نخواهد بود. به دلیل اینکه حق آمریکا در توسل به زور طبق استدلال دفاع مشروع در سال ۲۰۰۲ و با انتخاب حامد کرزی به عنوان رئیس‌جمهور افغانستان و سقوط طالبان به پایان رسیده و دیگر قابل استناد نخواهد بود (O'Connell, 2010b: 3-4). در نقطه مقابل وی، عده‌ای معتقدند که حملات انجام شده توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به پاکستان و یمن را نیز می‌توان تحت عنوان دفاع مشروع امری قانونی قلمداد کرد. نظریه پردازانی که در صدد هستند تا اقدامات آمریکا در حمله به افغانستان، پاکستان و یمن و استفاده از این نوع هواپیماها را طبق ماده (۵۱) منشور، عملی قانونی نشان دهند، در واقع تفسیری موسع از این ماده با تأکید بر مفهوم بسیار

1. Mary Ellen O'Connell

بحث برانگیز دفاع مشروع پیشگیرانه یا پیشدستانه^۱ را مورد پذیرش قرار داده‌اند. موافقان رویکرد آمریکا بر این امر توافق دارند که حمله نظامی یک بازیگر غیردولتی علیه یک دولت، دیپلمات‌ها، نظامیان و شهروندان آن کشور، حق دفاع مشروع مصرح در ماده (۵۱) منشور ملل متحد را به دنبال دارد حتی اگر پاسخ متقابل دولت مذکور علیه عاملان غیردولتی در کشوری خارجی رخ دهد. علاوه بر این، به عقیده آنها هیچ یک از عبارات منشور متضمن این مفهوم نیست که دولتی مورد حمله واقع شده تنها درون مرزهای خود یا دولت مورد حمله (دولتی که عمل عاملان غیردولتی به نوعی قابل انتساب به آن باشد) می‌تواند به حق دفاع از خود استناد کند (Paust, 2010: 239; Hansen, 2011: 27). در واقع، حامیان سیاست ایالات متحده آمریکا در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، چنین نتیجه می‌گیرند که دفاع مشروع می‌تواند حتی خارج از وضعیت مخاصمات مسلحانه و بدون موافقت دولتی که از داخل قلمرو آن حملات عاملان غیردولتی نشئت می‌گیرد نیز مجاز و مشروع باشد. در نتیجه به زعم آنها حملات اخیر آمریکا با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین با عنوان دفاع از خود، وفق ماده (۵۱) منشور ملل متحد مشروع قلمداد می‌شود.

کنت اندرسون^۲ در این باره دیدگاهی را مطرح می‌کند که بسیار نزدیک به دکترین شناخته شده جورج بوش رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده آمریکاست. دکترین بوش مدعی بود در شرایطی که حوادث مهیب ناگهانی ناشی از حمله تروریستی (به خصوص سلاح‌های تخریب و کشتار جمعی) می‌تواند موجب خساراتی شود، منتظر ماندن برای یک تفسیر دقیق از مفهوم حمله مسلحانه قابل قبول نخواهد بود^۳ (Valun, 2011: 10). در راستای دکترین بوش، کنت اندرسون معتقد است آمریکا می‌تواند برنامه هواپیماهای بدون

1. Preventative or Preemptive Self-defence

2. Kenneth Anderson

۳. جورج دبلیو بوش سال ۲۰۰۲ در سخنرانی در جمع دانشجویان اظهار داشت: «دولت ایالات متحده آمریکا همواره برای انجام اقدامات پیشگیرانه، زمانی که جهت دفاع از آزادی و حیات ما ضروری است آماده خواهد بود». قابل

دسترسی در:

<http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2002/06/20020601-3.html>, pp: 1-5, at: 3.

سرنشین خود را با استناد به حق گسترده تر دفاع مشروع پیشگیرانه یا پیشدستانه اجرا کند که شامل حق تبعی و فرعی دفاع از خود در برابر تهدیدهای ادامه دار می شود (Anderson, 19: 2009). این رویکرد دولت آمریکا ناشی از تفسیر موسع ماده (۵۱) منشور، منجر به شکل گیری و اجرای تئوری دفاع پیشدستانه شده است. این در حالی است که در ادبیات حقوق و روابط بین الملل دفاع پیشدستانه (دفاع در برابر اقداماتی که هنوز به خطری جدی و قریب الوقوع تبدیل نشده و صرفاً مبتنی بر فرض شکل گیری چنین تهدیدی در آینده است)، فاقد وجهت حقوقی بوده و از حمایت های حقوق بین الملل برخوردار نمی باشد (Alston, 2010: 45؛ ساعد، ۱۳۸۷: ۸۳). حتی به فرض پذیرش دفاع مشروع، مطابق ماده (۵۱) منشور ملل متحد هر گونه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح از سوی یک دولت در برابر دولت دیگر در مقام دفاع از خود باید فوراً به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش شود تا جنبه قانونی پیدا کند. این در حالی است که در خصوص استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در هیچ موردی این مسئله عملی نشده است (Maslen, 2012: 605).

۲-۱-۲. توسل به زور بر مبنای مجوز شورای امنیت

همان طور که پیش از این گفته شد، استثنای دیگر در ممنوعیت توسل به زور طبق منشور سازمان ملل مربوط به اختیارات شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم است. ماده (۴۲) منشور به شورای امنیت این اختیار را می دهد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی در صورت ضرورت به استفاده از زور توسط نیروهای زمینی، دریایی و هوایی مبادرت کند. این ماده از قدرت اجرایی بالایی برخوردار است، اما استفاده از نیروهای نظامی علیه یک دولت را تنها زمانی اجازه می دهد که همه گزینه های دیگر از جمله شرایط مندرج در ماده (۴۱) (تحریم های اقتصادی و سیاسی) در اجرا با شکست مواجه شده باشند. از طرفی این مسئله نیازمند تصویب کامل در شورای امنیت است. به این معنا که هیچ یک از پنج عضو دائم شورای امنیت نباید از حق وتوی خود استفاده کنند. بنابراین اختیارات فصل هفتم منشور به ندرت اجرایی می شود، هر چند سابق بر این، چنین مجوزی برای جنگ کره و جنگ اول خلیج فارس صادر شده است. به این ترتیب در مجموع باید گفت اختیارات موجود در فصل

هفتم منشور، عملیات اخیر کشتار هدفمند با هواپیماهای بدون سرنشین را توجیه نمی‌کند.

۳-۱-۲. توسل به زور بر مبنای رضایت و درخواست دولت سرزمینی

مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل یک دولت می‌تواند به درخواست دولت دیگر (دولت سرزمینی) به اعمال زور در قلمرو آن دولت پردازد یا ممکن است یک دولت به انجام عملیات دفاعی در سرزمینش با دولت خارجی رضایت دهد (Bataoel, 2011: 71). مثال بارز این مدعا، حملات اخیر هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در کشور عراق و برای مقابله با گروهک تروریستی داعش است که با درخواست و رضایت دولت عراق انجام گرفتند. اما در مقابل، زمانی که عملیات‌های کمک‌رسانی نظامی بدون رضایت دولت سرزمینی صورت پذیرد مسئولیت بین‌المللی مطرح می‌شود. به‌عنوان مثال، دولت پاکستان حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در سرزمین خود را با این استدلال که پاکستان رضایت قبلی خود را در این باره اعلام نکرده بود مورد اعتراض قرار داد (O'Connell, 2010c: 18). البته دولت سرزمینی مربوطه مجاز است تنها به انجام آن دسته از اقداماتی توسط کشور مقابل رضایت دهد که خود آن دولت به لحاظ قانونی صلاحیت انجام آن را دارد. بنابراین دولتی که تقاضای کمک کرده است نمی‌تواند بر وقوع اعمالی که هنجارهای حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض می‌کند رضایت دهد. همان‌طور که خود نیز به‌طور قانونی حق انجام چنین اعمالی را ندارد (Schmitt, 2011: 315). در واقع دولت‌ها نمی‌توانند تا زمانی که اقدامات مربوط به اجرای قانون (عملیات انتظامی) قابل اعمال است، از نیروهای نظامی علیه افراد خود در سرزمین‌شان استفاده کنند. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین توسط آمریکا در یمن، سومالی و پاکستان تنها زمانی با رضایت دولت‌های سرزمینی مجاز خواهد بود که این دولت‌ها ابتدا خود اقدام به استفاده از نیروهای نظامی در قلمروشان کرده باشند. به‌عنوان مثال ایالات متحده آمریکا حملات هواپیماهای بدون سرنشین خود را در خاک پاکستان از سال ۲۰۰۴ به اجرا درآورد، در حالی که پاکستان استفاده از نیروی نظامی خود جهت سرکوب جنگ‌طلبان و شورشیان را از سال ۲۰۰۹ آغاز کرد. بنابراین حتی ابراز رضایت دولت پاکستان این قبیل حملات هواپیماهای بدون سرنشین را توجیه نمی‌کند.

در پایان باید گفت مطابق با قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه، این امکان وجود دارد که حتی یک حمله هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان حمله مسلحانه و به مثابه عمل تجاوز و استفاده غیرمجاز از زور در نظر گرفته شود. مطابق ماده (۱) قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل مصوب سال ۱۹۷۴ (قطعنامه شماره ۳۳۱۴)، تجاوز عبارت است از «اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور یا توسل به اعمالی که با مقررات منشور مغایرت داشته باشد». این قطعنامه مقرر می‌دارد که عمل تجاوز متشکل است از اقداماتی چون: بمباران توسط نیروهای مسلح یک دولت در سرزمین دولت دیگر یا استفاده از هر نوع تسلیحاتی توسط یک دولت علیه تمامیت سرزمینی دولت دیگر (بند «ب» ماده (۳)). علی‌القاعده هرگونه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین تهاجمی توسط یک دولت در سرزمین دولت دیگر تحت ممنوعیت توسل به زور مصرح در بند «۴» ماده (۲) منشور ملل متحد قرار می‌گیرد و نیازمند یک توجیه به رسمیت شناخته شده در حقوق بین‌الملل است. بر این اساس اگر حمله یک هواپیمای بدون سرنشین به قلمرو دولت دیگر بدون رضایت دولت سرزمینی، یا خارج از چارچوب حق دفاع مشروع (مطابق با ماده (۵۱) منشور) یا بدون مجوز لازم از سوی شورای امنیت سازمان ملل (مطابق با فصل هفتم منشور) صورت گیرد، یک حمله مسلحانه غیرقانونی و در نتیجه یک اقدام تجاوزکارانه محسوب می‌شود.

۲-۲. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق در جنگ یا حقوق بین‌الملل بشردوستانه تنها در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه اعم از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی قابل اعمال است. در واقع حقوق بین‌الملل بشردوستانه بخشی از حقوق بین‌الملل است که نحوه رفتار در مخاصمات مسلحانه را تنظیم می‌کند. به دیگر سخن، حقوق بین‌الملل بشردوستانه نوع خاصی از حقوق مخاصمات مسلحانه است و آن ابزار حقوق بشری زمان جنگ است. هواپیمای بدون سرنشین تهاجمی یک سلاح مختص میدان جنگ است، با این حال حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر تمام حملات هواپیماهای بدون سرنشین اعمال نمی‌شود. استدلال اصلی برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه همان‌طور که در کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو مقرر شده این است که حقوق و حمایت‌های ناشی از

حقوق بین الملل بشردوستانه تنها به «مبارزان قانونی»^۱ محدود می شود (Rawcliffe and Smith, 2006: 16). مبارزان قانونی ممکن نیست که به دلیل کشتن و یا صدمه زدن به نیروهای دشمن یا خسارت زدن و نابود کردن تجهیزات دشمن متحمل مسئولیت کیفری شوند تا زمانی که اقدامات آنها در انطباق با حقوق جنگ باشد (Vlaun, 2011: 4). مبارزان قانونی شامل نیروهای مسلح متحدالشکل یک دولت، گروه‌های شبه نظامی، سپاهیان داوطلب و جنبش‌های مقاومت سازمان یافته متعلق به یک دولت می شود که یکی از طرفین مخاصمه است. این معیارها بسیار مهم هستند زیرا آنها حقوق و امتیازات خاصی برای مبارزان فراهم می کنند. همچنین آنها به طور خاص جاسوسان متخاصم، خرابکاران و غیر نظامیان شرکت کننده در مخاصمات را از این امتیازات و حقوق محروم می کنند (Rawcliffe and Smith, 2006: 17). در جنگ هوایماهای بدون سرنشین، حقوق بین الملل بشردوستانه تنها بر عملیاتی که خلبانان نظامی به عنوان بخشی از مخاصمه مسلحانه انجام می دهند، اعمال می شود. بر این اساس حملاتی که از سوی پرسنل غیر نظامی مانند اعضای آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) یا پیمانکاران دولتی غیر نظامی انجام گیرد، به خودی خود غیر قانونی است.

قواعد حقوق بشردوستانه حق طرفین در انتخاب وسایل و شیوه‌های مبارزه در مخاصمات مسلحانه را محدود کرده است. همچنین استفاده از ابزار جنگی و تسلیحاتی که منجر به ایراد حملات کور نسبت به غیر نظامیان شود، ممنوع است.^۲ به طور کلی قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه در خصوص حملات و اقدامات هوایماهای بدون سرنشین، همان قواعدی است که بر دیگر جنگ افزارها در مخاصمات مسلحانه اعم از مخاصمات مسلحانه داخلی و بین المللی حاکم است. بنابراین هوایماهای بدون سرنشین در حملات خود باید از حداقل قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه قابل اعمال بر رفتار بازیگران در جنگ‌ها، به ویژه آن دسته از قواعدی که مربوط به اصل ضرورت، اصل تمایز، اصل تناسب و اصل احتیاط در حمله و نیز اصل بشردوستی یا اجتناب از ایراد درد و رنج غیر ضروری می باشند، پیروی کنند

1. Lawful Combatants

۲. در این خصوص ر.ک.: ماده (۵۱) پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ در خصوص حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی مصوب ۱۹۷۷.

و نباید سلاح‌هایی را که استفاده از آنها مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه غیر قانونی است به کار گیرند. در این قسمت به بررسی هر یک از این قواعد و اصول پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۲. اصل ضرورت^۱

اصل ضرورت به ضرورت نظامی اشاره دارد و تعهدی است مبنی بر اینکه نیروی نظامی تنها در صورتی که برای به انجام رساندن یک هدف نظامی معقول لازم باشد مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، اگر یک دولت متوسل به استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین شود چنین اقدامی تنها در صورتی قانونی و مشروع قلمداد می‌شود که چشم‌انداز معقولی از موفقیت در دست یافتن به هدف نظامی‌اش وجود داشته باشد. چنانچه جایگزین‌های نیروی نظامی هنوز فاقد اثر نشده باشند یا اگر پیش‌بینی‌های نظامی توسل به زور احتمال اندکی برای موفقیت تعیین کرده یا اصلاً هیچ احتمالی در این زمینه وجود نداشته باشد، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین یا دیگر اشکال نیروی نظامی غیر قانونی خواهد بود. لازم به ذکر است که حتی اگر توسل به نیروی نظامی بنابر اصل ضرورت آخرین راهکار بوده و شانس موفقیت نیز داشته باشد، پیروی از اصل تناسب ضروری است.

۲-۲-۲. اصل تمایز یا تبعیض^۲

قاعده دوم، اصل تمایز یا لزوم اعمال تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان است. قاعده کلی این است که در حمله باید بین رزمندگان و غیررزمندگان تمایز قائل شد. در عمل به این معناست که عملیات باید با هدف نظامی مشروع و مشخص هدایت شود و نباید حملات کورکورانه و بدون اعمال تمییز بین افراد نظامی و غیرنظامی صورت گیرد.^۳ سلاح‌هایی که هواپیماهای بدون سرنشین استفاده می‌کنند باید قادر به اعمال تمییز میان نظامیان و

1. Necessity Principle

2. Discrimination or Distinction Principle

۳. در این خصوص قطعنامه شماره ۲۸ مصوب بیستین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۶۵ با عنوان «حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی در برابر خطرات جنگ بدون تمییز» نیز اصول منع حمله به جمعیت‌های غیرنظامی و لزوم تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان را یادآوری کرد.

غیرنظامیان باشند، به نحوی که تا حد امکان از حمله به افراد و اماکن غیرنظامی جلوگیری شود. در این باره، برخلاف تصور موجود مبنی بر دقیق بودن حملات هوایماهای بدون سرنشین، برخلاف اخبار بسیار ضدونقیض درباره میزان تلفات غیرنظامی حملات این هوایماها، به عنوان یک نمونه مطابق با اطلاعات گسترده جمع آوری شده توسط بنیاد آمریکای نوین،^۱ ۳۳۴ حمله توسط هوایماهای بدون سرنشین از ژوئن ۲۰۰۴ تا اکتبر ۲۰۱۲ در پاکستان انجام شده است. میزان تلفات جانی این حملات بین ۱۸۸۶ تا ۳۱۹۱ کشته تخمین زده شده است که تنها ۱۳۰۰ تا ۲۱۴۰ نفر از آنها را شبه نظامیان تشکیل داده اند، این امر نشان دهنده آن است که ۳۰ درصد از کشته شده ها غیرنظامیان بوده اند (International Human Rights and Conflict Resolution Clinic, 2012: 20). مطابق مقررات ماده (۳) مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو، به عنوان مکمل و بیانگر حقوق بین الملل عرفی و همچنین براساس بند «۳» از ماده (۱۳) پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به این کنوانسیون ها؛ تنها اهداف نظامی قانونی شامل افرادی که به طور مستقیم در جنگ شرکت کرده اند می توانند به طور قانونی هدف این حملات واقع شوند. چالش مهم تر این مسئله است که چگونه می توان اعضای نظامی شرکت کننده در جنگ را (از نظر قانونی و عملی) شناسایی کرد. راهنمای تفسیری کمیته بین المللی صلیب سرخ^۲ در این زمینه بیان می کند: «تحت قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه، معیار قطعی برای عضویت فردی در یک گروه مسلح سازمان یافته، این است که آیا آن فرد یک «نقش مبارزه ای مستمر»^۳ برای آن گروه در خصوص مشارکت مستقیم خود در جنگ ها برعهده می گیرد یا خیر. این نقش اعضای نیروهای جنگی سازمان یافته غیردولتی را، از غیرنظامیانی که به طور مستقیم و کاملاً خودسر، پراکنده یا غیرسازمان یافته در جنگ ها شرکت می کنند و نیز از کسانی که نقش های منحصرأ سیاسی، اجرایی و دیگر نقش های غیرجنگی را برعهده می گیرند، متمایز می سازد» (Melzer, 2009: 33). افرادی که مستقیماً و به طور خودسر، پراکنده یا غیرسازمان یافته در جنگ ها شرکت می کنند، تنها زمانی می توان آنها را به طور قانونی مورد

1. New America Foundation

2. International Committee of the Red Cross (ICRC)

3. New America Foundation

هدف قرار داد که در حین ارتکاب چنین اعمالی باشند؛ اگر چه در زمان‌های دیگر ممکن است این افراد را نهاد اجرای قانون (پلیس)، دستگیر و طبق قوانین داخلی در خصوص جرائم ارتكابی مجازات کند. همچنین در مورد افرادی که نقش‌ها و وظایف منحصرأ سیاسی، اداری و دیگر نقش‌های غیرجنگی را برعهده دارند نیز همین وضعیت حاکم است و نمی‌توان به‌طور قانونی به آنان حمله کرد مگر زمانی که آنها نیز مستقیماً در مخاصمات شرکت کنند (Maslen, 2012: 610).

این قاعده (مشارکت مستقیم در مخاصمات) در برخی کنوانسیون‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله و شاید مهم‌ترین آنها پروتکل الحاقی اول سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو است. مطابق بند «۲» ماده (۴۳) این پروتکل، اعضای نیروهای مسلح طرفین مخاصمه (غیر از پرسنل پزشکی و مذهبی که تحت پوشش ماده (۳۳) کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو هستند)، «مبارز» محسوب می‌شوند به این معنا که حق مشارکت مستقیم در مخاصمات را دارند. همچنین بند «۳» ماده (۵۱) این پروتکل اشعار می‌دارد: «غیرنظامیان باید از حمایت‌های مصرح در این بخش بهره‌مند شوند مگر آنکه مشارکت مستقیمی در مخاصمات داشته باشند». لازم به ذکر است در صورت تردید نسبت به وضعیت فردی، باید او را به‌عنوان یک غیرنظامی که هیچ‌گونه مشارکت مستقیمی در جنگ ندارد در نظر گرفت. عدم موفقیت در اعمال چنین تمایزی میان نظامیان و غیرنظامیان در زمان انجام حملات توسط هوایماهای بدون سرنشین موجب شکل‌گیری یک حمله غیرقانونی شده و در نتیجه به‌عنوان شواهدی از ارتکاب یک جنایت جنگی قلمداد می‌شود. در مجموع، مطابق با قاعده تمایز، تنها رزمندگان و نه غیرنظامیان باید هدف حملات واقع شوند.

۳-۲-۲. اصل تناسب^۱

مشروعیت حمله به متحارین دشمن در جایی که کشتار و صدمه رساندن به غیرنظامیان از پیامدهای احتمالی انجام حملات باشد، به تصمیم‌گیری نهایی حمله با توجه به قاعده تناسب بستگی دارد. درحقیقت، هنگامی که اصل تناسب در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح

1. Proportionality Principle

می‌شود، بیش از نوع سلاح یا تسلیحاتی که در حمله به کار می‌رود، آنچه حائز اهمیت است میزان خسارت و صدمه‌ای است که به جان و مال غیرنظامیان وارد شده و بعضاً بسی فراتر از منافع جنگی است که از حمله انتظار می‌رفته است. در فرض اخیر، حمله یاد شده نامشروع بوده و اصل تناسب در آن رعایت نشده است. دولت‌های استفاده‌کننده از زور باید تضمین کنند که شیوه استفاده از نیروی نظامی منجر به تلفات و خسارات نامتناسب در قیاس با ارزش اهداف مورد نظر نخواهد شد و نتیجه حاصل از حملات (خسارات و تلفات غیرنظامی) نسبت به منافع نظامی مستقیمی که از آن انتظار می‌رفته بیش از حد نبوده و در تناسب باشد، به طوری که هر گونه منافع نظامی پیش‌بینی شده با توجه به خسارات مورد انتظار غیرنظامیان حاضر در نزدیکی آن در نظر گرفته شده و همه اقدامات ممکن جهت اجتناب از اشتباهات و به حداقل رساندن آسیب‌های وارده بر غیرنظامیان باید انجام شود (Melzer, 2008: 365).

درواقع میزان تلفات جانی و خسارات اتفاقی و غیرعمدی که از لحاظ قانونی مجاز است، براساس اصل تناسب تعیین می‌شود. بر این اساس یک حمله مستقیم هواپیماهای بدون سرنشین به یک هدف نظامی که منجر به مرگ ناخواسته غیرنظامیان و ایراد خسارت به اموال غیرنظامی شود، به لحاظ قانونی می‌تواند مجاز تلقی گردد؛ اما یک حمله کور و بی‌پروا که منجر به صدمه رساندن به جان و اموال غیرنظامیان شود، نقض اصل تناسب خواهد بود. با اینکه در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نیز در پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ به قاعده تناسب اشاره‌ای نشده است، اما دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خود در مورد مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای این قاعده را در کنار اصل ضرورت مورد تأکید قرار داد (ICJ, 1996: 226-245). این اصل به‌عنوان قاعده عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شود که نه تنها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بلکه همچنین در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی نیز لازم‌الاجراست.

۴-۲-۲. اصل احتیاط در حمله^۱

علاوه بر اصول ذکر شده، اعمال اصل «احتیاط در حمله» یا اقدامات احتیاطی نکته بسیار

مهمی است که باید در حملات هوایماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گیرد. اصلی که در بسیاری از حملات هوایماهای بدون سرنشین آمریکایی در «جنگ با تروریسم» مغفول مانده است. براساس گزارش کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، بسیاری از قواعد مربوط به اقدامات احتیاطی در حملات که در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تدوین شده‌اند، ماهیت عرفی داشته و در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و همچنین مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی قابل اعمال هستند (Maslen, 2012: 606). مرکزیت این دسته از قواعد، تعهد به «مراقبت مداوم»^۱ نسبت به نحوه رفتار در عملیات نظامی است. به این منظور که جمعیت غیرنظامی و اموال و اشیای غیرنظامی باید از حملات مصون باشند. در این راستا همه اقدامات احتیاطی ممکن باید انجام گیرد تا از کشتار و ایراد صدمات به غیرنظامیان و آسیب‌ها و خسارات به اشیا و اموال غیرنظامی جلوگیری شود یا به حداقل برسد.^۲ درخصوص این اصل نقاط ضعف قابل توجه و انکارناپذیری درخصوص استفاده از هوایماهای بدون سرنشین تهاجمی مشهود بوده است. به‌عنوان مثال، حمله هوایمای بدون سرنشین در افغانستان سال ۲۰۱۰ به تنهایی منجر به کشته شدن ۲۳ غیرنظامی افغان و زخمی شدن ۱۲ نفر دیگر شد (Ibid.: 607).

۵-۲-۲. اصل بشردوستی یا اجتناب از ایراد درد و رنج غیرضروری^۳

معیار نهایی براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل بشردوستی یا اجتناب از درد و رنج غیرضروری است. این اصل در مورد سلاح‌ها و مهماتی است که در جنگ به کار گرفته می‌شوند. پیشینه این قاعده را در اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸، کنوانسیون لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ ژنو می‌توان یافت (ساعد، ۱۳۸۷: ۶۲۳). همان‌طور که در کنوانسیون‌های لاهه تصریح شده است، به‌طور خاص به کار گرفتن

1. Constant Care

۲. در همین خصوص ماده (57)(2)(a) از پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو مصوب ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد: «افرادی که برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در رابطه با یک حمله را برعهده دارند باید همه اقدامات احتیاطی لازم و ممکن را در انتخاب ابزار و روش‌های حمله ملحوظ نظر قرار دهند».

3. Principle of Humanity or Unnecessary Suffering

سلاح‌ها و موادی که موجب رنج‌های غیر ضروری می‌شوند، ممنوع است. در خصوص استفاده از سلاح‌های قانونی، حقوق بین الملل عرفی استفاده از سلاح‌هایی که ذاتاً قادر به اعمال اصل تمایز نیستند (مانند سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای)، همچنین اسلحه‌ای که ماهیتاً به ایراد صدمات یا درد و رنج‌های غیر ضروری منجر می‌شوند را چه در مخاصمات مسلحانه بین المللی و چه غیر بین المللی منع می‌کند.^۱

به طور کلی حملات هوایماهای بدون سرنشین چنانچه مطابق با پنج معیار حقوق بین الملل بشردوستانه (ضرورت نظامی، تمایز یا تبعیض، تناسب، اقدامات احتیاطی و بشردوستی یا اجتناب از درد و رنج غیر ضروری) باشد قانونی و مشروع خواهد بود. باید در خصوص هر حمله مورد به مورد مشروعیت آن تعیین شود اما به لحاظ قانونی برای نیروی نظامی این امکان فراهم است که به انجام حملات هوایماهای بدون سرنشین علیه رزمندگان قانونی یا کسانی که وضعیت حمایت شده خود را از دست می‌دهند مبادرت کنند. در مجموع، به نظر می‌رسد مجموعه قواعد و مقررات ناظر بر تسلیحات به کار رفته در زمان جنگ بر حملات ارتكابی توسط هوایماهای بدون سرنشین تهاجمی نیز قابل اعمال است، در شرایطی که وضعیت درگیری مسلحانه اعم از مخاصمه مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی محرز و مشهود باشد.

۳-۲. قواعد حقوق بین الملل بشر

در این قسمت لازم به نظر می‌رسد که مفاهیم و قواعد حقوق بین الملل بشر در استفاده از هوایماهای بدون سرنشین مسلح مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا در خصوص اینکه چگونه قواعد حقوق بشر استفاده از زور در خارج از وضعیت مخاصمه مسلحانه در قالب پارادایم «اجرای قانون» را تنظیم می‌کند، بحث خواهد شد، سپس در قسمت بعد نقش و جایگاه حقوق بشر و پیامدهای بالقوه و بالفعل آن در مخاصمات مسلحانه به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق بین الملل بشردوستانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. در کنوانسیون چهارم ژنو مربوط به «حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ» مصوب ۱۹۴۹، حمایت‌های حقوقی عام و خاص برای غیرنظامیان پیش‌بینی شده است ولی مستقیماً به نوع سلاح‌های قابل استفاده در جنگ یا ممنوعیت سلاح‌های خاص اشاره نشده است.

۱-۳-۲. اعمال قواعد حقوق بشر در فرایند اجرای قانون

خارج از چارچوب مخاصمات مسلحانه، مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و حملات مرگبار آن، با استانداردهای حقوق بشر به‌ویژه آنهایی که به استفاده از نیروی مرگبار^۱ مربوط می‌شود تعیین می‌گردد. براساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر دو اصل مهم حاکم بر همه نوع استفاده از زور در جریان اجرای قانون است که عبارت‌اند از: ضرورت و تناسب. اگرچه این اصطلاحات در حقوق مخاصمات مسلحانه و همچنین حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز به کار رفته است، اما معنای دقیق آنها در زمینه حقوق بشر به‌طور قابل توجهی متفاوت است. همان‌طور که فیلیپ الستون بیان کرده است: «کشتن و اعدام توسط یک دولت در جریان اجرای قانون تنها زمانی قانونی است که برای حفاظت از حیات افراد لازم باشد (یعنی استفاده از نیروهای مرگبار متناسب باشد) و اینکه هیچ روش دیگری برای اعمال قانون از قبیل دستگیری و بازداشت برای جلوگیری از تهدیدی که علیه زندگی افراد دیگر صورت گرفته است، وجود نداشته باشد (یعنی استفاده از نیروهای مرگبار ضروری باشد) (Alston, 2010: 32). در این زمینه و برای تنظیم و قاعده‌مند ساختن استفاده‌های آگاهانه از عملیات مرگبار، قواعد حقوق بین‌الملل بشر به‌طور کلی معیارها و استانداردهایی که در سال ۱۹۹۰ در «قطعنامه اصول اساسی استفاده از زور و سلاح‌های گرم توسط مأموران اجرای قانون» آمده است را دربرمی‌گیرد. مطابق با اصل (۹) این قطعنامه، «در هر صورت استفاده آگاهانه از سلاح‌های گرم تنها زمانی می‌تواند مشروع باشد که به‌منظور حفظ جان افراد کاملاً اجتناب‌ناپذیر باشد». توسل حقوقی به نیروی مرگبار، در قالب اجرای قانون و از طریق حقوق بین‌الملل بشر بسیار محدود شده است. به‌ویژه محدودیت «سلب اجباری حق حیات»، اقدامات یک دولت را در اعمال نیروی مرگبار تحت قاعده درمی‌آورد. بنابراین، در عملیات‌های اجرای قانون و تحت قواعد حقوق بشر، توسل به نیروی مرگبار تنها اگر به‌طور مستقیم برای نجات زندگی افراد دیگر ضروری باشد قانونی است. علاوه‌بر این، در بحث «اجرای قانون»، باید قبل از استفاده از نیروی مرگبار هشدارهای لازم داده شود؛ درحالی‌که در عملیات‌های جنگی این امر ضروری نیست و

1. Lethal Force

استفاده از بمب‌ها و موشک‌ها بدون هشدار قبلی قانونی است (O'Connell, 2010c: 2). با توجه به محدودیت‌های مذکور در استفاده آگاهانه از نیروی مرگبار تحت قوانین حقوق بین‌الملل بشر، می‌توان گفت که خارج از چارچوب مخصصات مسلحانه، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای کشتار هدفمند، تقریباً هرگز قانونی نخواهد بود.

۲-۳-۲. اعمال قواعد حقوق بشر در وضعیت مخاصمه مسلحانه

در جریان مخصصات مسلحانه، مهم‌ترین حق بشری یعنی «حق حیات» در کنار قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه لازم‌الرعايه خواهد بود. بنابراین، کشتن هر فرد با هواپیماهای بدون سرنشین غیر از هدف اصلی (مانند اعضای خانواده یا افراد دیگر در مجاورت آنها)، سلب خودسرانه حق حیات تحت قوانین حقوق بین‌الملل بشر خواهد بود و می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت و موجد مسئولیت کیفری افراد شود. در خصوص تعیین مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در خارج از وضعیت مخاصمه مسلحانه، قواعد حقوق بین‌الملل بشر منبع اصلی حقوق بین‌الملل است. اما در خصوص مخصصات مسلحانه از آنجا که هم حقوق بین‌الملل بشردوستانه و هم قواعد حقوق بشر اعمال می‌شود، به عقیده فیلیپ الستون اینکه آیا یک کشتار خاص قانونی است یا خیر، به وسیله قواعد ویژه قابل اعمال تعیین می‌شود. در این زمینه، اولویت با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. از این رو جایی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه قاعده‌ای را مقرر نکرده است و یا قاعده موجود مبهم بوده و معنا و مفهوم آن از راهنمایی‌های ارائه شده توسط اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل تشخیص نباشد، مقتضی است که از قواعد حقوق بین‌الملل بشر کمک گرفته شود (Alston, 2010: 29). افزایش تأثیر قواعد حقوق بشر در محتوای قواعد حقوق در جنگ که سابق بر این قلمرو مختص حقوق بین‌الملل بشردوستانه تلقی می‌شد، نباید یک تهدید در نظر گرفته شود بلکه باید به مثابه یک وزنه تعادل لازم در برابر اقدامات تجاوزکارانه برخی دولت‌ها به آن نگرست، در واکنش به آنچه که آنها در قالب پارادایم حقوقی جدید در جهان بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر مورد حمایت قرار می‌دهند.

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هوایماهای بدون سرنشین یکی از مصادیق بارز پیشرفت‌های بشری و از مظاهر انقلاب‌های تکنولوژیک به حساب می‌آیند. این هوایماها از جنبه‌های گوناگون می‌توانند برای دولت‌ها مفید فایده باشند. اما چالش برانگیزترین مسئله این هوایماها کاربردهای جدید نظامی آنهاست که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به منصفه‌ظهور رسیده و در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفته است. هوایماهای بدون سرنشین مسلح تهدید بزرگی نسبت به ممنوعیت عام استفاده از زور بین دولت‌ها و همچنین احترام به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر به حساب می‌آیند. در بند «۴» ماده (۲) منشور سازمان ملل آمده است که همه اعضا باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولتی خودداری کنند. ماده (۴۲) و ماده (۵۱) منشور تنها استثنای این قاعده عام محسوب می‌شوند. بر این اساس و مطابق با حقوق مخاصمات مسلحانه استفاده از هوایماهای بدون سرنشین جنگنده در یک کشور دیگر تنها در صورت مجوز شورای امنیت طبق ماده (۴۲) یا در مقام اعمال حق ذاتی دفاع از خود یا دفاع مشروع مندرج در ماده (۵۱) منشور قانونی و مشروع خواهد بود. از جمله شرایط اصلی تحقق دفاع مشروع، وقوع یک حمله مسلحانه است در حالی که امروزه از هوایماهای بدون سرنشین تهاجمی بیشتر در مواردی استفاده شده که هیچ نوع درگیری مسلحانه‌ای میان طرفین وجود نداشته است. اگر استفاده از هوایماهای بدون سرنشین را نتوان در چارچوب دفاع مشروع یا مجوز صادره از سوی شورای امنیت توجیه کرد، تنها در صورت رضایت دولت سرزمینی است که می‌توان به این قبیل اقدامات جنبه قانونی بخشید. از این رو، حتی در این شرایط نیز دولت سرزمینی مربوطه مجاز است تنها به انجام آن دسته از اقدامات کشور مقابل رضایت دهد که خود آن دولت به لحاظ قانونی صلاحیت انجام آن را داشته باشد. مطابق با حقوق مخاصمات مسلحانه، هرگونه استفاده از هوایماهای بدون سرنشین چنانچه خارج از چارچوب مواد (۴۲) و (۵۱) منشور سازمان ملل متحد یا بدون رضایت دولت سرزمینی صورت گیرد نقض بارز حاکمیت سرزمینی دولت هدف و به نوعی مصداق عمل تجاوز محسوب می‌شود. در واقع با توجه به اصل حاکمیت سرزمینی حتی استفاده از هوایماهای بدون سرنشین غیرنظامی یک دولت از نوع امداد رسان نیز در قلمرو

هوایی دولت دیگر منوط به اخذ اجازه ویژه و دادن اطلاع قبلی به دولت سرزمینی است. همان طور که پیش تر گفته شد قواعد و الزامات عرفی و معاهده‌ای حقوق بین الملل در رابطه با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین و تبیین اصول حاکم بر آن در مجموع از پویایی و کارآمدی لازم برخوردار است، با این حال تدوین و توسعه قوانین و مقررات اختصاصی در این زمینه واجد کمال اهمیت است. پرواضح است که در شرایط کنونی جامعه بین المللی نیازمند نوعی اتفاق نظر در عرصه تصمیم گیری و اتخاذ رویکردی هماهنگ در عرصه عمل جهت قاعده مند ساختن به کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین است. هر چند اخیراً مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین به تصویب رسانده است،^۱ اما بالطبع چنین قطعنامه‌ای از لحاظ حقوقی الزام آور نبوده و از ماهیت یک کنوانسیون بین المللی لازم الاتباع برخوردار نیست. در این خصوص یکی از اقدامات اساسی که می توان گفت گام نهایی به سوی کاستن از پیامدهای استراتژیک و انسانی هواپیماهای بدون سرنشین و پرداختن به مسائل معتابه مربوط به آن، انعقاد کنوانسیون بین المللی در رابطه با تولید، خرید و استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین است که می تواند قواعد و دستورالعمل هایی برای استفاده از آنها ایجاد کند. چنین کنوانسیونی می تواند در راستای «کنوانسیون سلاح های متعارف خاص»^۲ مصوب سال ۱۹۸۰ شکل گیرد که تنظیم کننده قواعد ممنوعیت و تحدید استفاده از سلاح های آتش افروزی است که اثرات زیان بار و غیر قابل کنترلی را بر غیرنظامیان برجای می گذارد. علاوه بر این، یک نهاد تحقیقاتی در سازمان ملل در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین می تواند به این قضیه کمک کند که دولت ها در مقابل استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین پاسخگو بوده و همچنین زمینه ایجاد یک اجماع تدریجی در خصوص چگونگی استفاده از این هواپیماها فراهم شود.

۱. در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۱۳، مجمع عمومی سازمان ملل با اجماع قطعنامه‌ای درباره استفاده از هواپیماهای بدون

سرنشین در چارچوب قوانین و تعهدات بین المللی به تصویب رساند. برای اطلاعات بیشتر رک.:

UN Resolution, Drone Strikes must Strictly Adhere to International Law, 19 December, 2013, available at: <http://www.thenews.com.pk/Todays-News-13-27490-Drone-strikes-must-strictly-adhere-to-international-lawsays-UN-chief>, pp: 1-2, at: 1.

2. Convention on Certain Conventional Weapons (CCW)

منابع و مآخذ

۱. آقاجانی، حمیدرضا (۱۳۸۸). «استفاده از پهپادها در عملیات‌های نظامی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ۱۶(۵۴).
۲. بلدسو و بوسچک (۱۳۷۵). فرهنگ حقوق بین‌الملل، ترجمه بهمن آقایی، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۳. تقی‌زاده، زکیه و فاطمه هداوندی (۱۳۹۱). «کاوشی در مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۹(۳).
۴. ساعد، نادر (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل معاصر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، تهران، نشر خرسندی.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۳.
۶. میرعباسی، باقر و حسین سادات میدانی (۱۳۸۹). دادرسی‌های بین‌المللی: دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، تهران، انتشارات جنگل.
7. Alston, Philip (2010). *The Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions* (Report to the UN Human Rights Council), Study on Targeted Killings, UN General Assembly.
8. Anderson, Kenneth (2009). *Targeted Killing in U.S. Counterterrorism Strategy and Law Working Paper of the Series on Counterterrorism and American Statutory Law*, a Joint Project of the Brookings Institution, the Georgetown University Law Center, and the Hoover Institution.
9. Arjomandi, Maziar (2013). "Classification of Unmanned Aerial Vehicles", *Journal of Wind Engineering and Industrial Aerodynamics*, 117(4).
10. Bataoel, Vincent (2011). "On the Use of Drones in Military Operations in Libya: Ethical, Legal, and Social Issues, Synesis", *Journal of Science, Technology, Ethics and Policy*, 2(1).
11. Casey-Maslen, Stuart (2012). Drone Strikes Under Jus ad Bellum, Jus in Bello, and International Human Rights Law, *International Review of the Red Cross*, 94(886).
12. Charter of the United Nations (1945).
13. Chrystal, Erotokritou (2012). "Sovereignty Over Airspace: International Law, Current Challenges, and Future Developments for Global Aviation", *The International Student Journal*, 4(5).
14. Cole, Chris, Mary Dobbing and Amy Hailwood (2012). *Convenient Killing: Armed Drones and the 'Play station' Mentality*, The Fellowship of Reconciliation, Oxford University Press.
15. Hansen, Victor (2011). "Predator Drone Attacks", *New England Law Review*, 46(2).
16. <http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/news/releases/2002/06/20020601-3.html>.
17. International Court of Justice (ICJ) (1986). Case Concerning Military and

- Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
18. _____ (1996). Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion.
 19. _____ (2004). Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion.
 20. International Human Rights and Conflict Resolution Clinic (2012). *Living Under Drones: Death, Injury, and Trauma to Civilians from US Drone Practices in Pakistan*, Stanford Law School Press.
 21. Kaiser, Stefan (2010). "Sovereignty in the air: From National Security to the Single European Sky", *Annals of Air and Space Law* (Canada), 35(1).
 22. Kyriakopoulos, George (2012). "The Regulation of Unmanned Aircraft in International Law", *Journal of National and Kapodistrian University of Athens*, 16(1).
 23. Maslen, Stuart (2012). "Drone Strikes under Jus ad Bellum, Jus in Bello and International Human Rights Law", *International Review of the Red Cross*, 94(886).
 24. Melzer, Nils (2008). *Targeted Killing in International Law*, Oxford University Press, Oxford.
 25. _____ (2009). *Interpretive Guidance on the Notion of Direct Participation in Hostilities under International Humanitarian Law*, ICRC Press, Geneva.
 26. O'Connell, Mary Ellen (2010a). "Drones under International Law", *Denver Journal of Law and Policy*, 39(3).
 27. _____ (2010b). "Lawful Use of Combat Drones", *National Security and Foreign Affairs Review*, 28(2).
 28. _____ (2010c). Unlawful Killing with Combat Drones: A Case Study of Pakistan, 2004-2009, *Notre Dame Law School Legal Studies Research Paper*, 43(9).
 29. O'Gorman, Rob and Chris Abbott (2013). *Remote Control War, Unmanned Combat Air Vehicles in China, India, Iran, Israel, Russia and Turkey*, Open Briefing Press, London.
 30. Paust, Jordan J. (2010). "Self-Defense Targetings of Non-State Actors and Permissibility of U.S. Use of Drones in Pakistan", *Journal of Transnational Law and Policy*, 19(2).
 31. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), (1977).
 32. Rawcliffe, John and Jeannine Smith (2006). *Operational Law Handbook* (Citing the Geneva Convention of 1949), International and Operational Law Department, The Judge Advocate General's Legal Center and School, Virginia.
 33. Schmitt, Michael (2011). "Drone Attacks under the Jus ad Bellum and Jus In Bello: Clearing the fog of law", *Yearbook of International Humanitarian Law*, 13(3).
 34. Southard, George (2013). Current Legal Status of UAVs in the US National Airspace System, available at: http://www.mapps.org/resource/resmgr/2014_winter_conference/uav_use_and_lessons_learned_pdf.

35. The Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (Fourth Geneva Convention), (1949).
36. The Hague Conference: Final Report on the Meaning of Armed Conflict in International Law (2010).
37. The Montevideo Convention on the Rights and Duties of States, Signed at Montevideo on 26 December 1933.
38. The United Nations Basic Principles for the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, (Havana Declaration) (1990).
39. UN General Assembly Resolution 3314 (XXIX): The Declaration on the Definition of Aggression (1974).
40. UN General Assembly: The Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions (2010). Report of Philip Alston to the UN Human Rights Council, Study on Targeted Killings.
41. UN Resolution, Drone Strikes must Strictly Adhere to International Law, 19 December, 2013, <http://www.thenews.com.pk/Todays-News-13-27490-Drone-strikes-must-strictly-adhere-to-international-lawsays-UN-chief>.
42. Vlaun, Mark R. (2011). "Drone Wars: The Legal Framework for Remote Warfare", *FAOA Journal of International Affairs*, 15(3).
43. www.asriran.com/fa/news/356190, pp: 1-3, at: 1

Archive